

## بررسی نقش زنان عشایر در حفظ و احیاء منابع طبیعی

### (مطالعه موردی: شهرستان چرام)

اصغر نوروزی\*

منیژه جفتنا\*\*

#### چکیده

محیط‌زیست و حفاظت از آن امروزه به یکی از دغدغه‌های اصلی در کشورهای مختلف تبدیل شده است. گروه‌ها، اقشار و جوامع مختلف (شهری، روستایی، عشایری) متناسب با شرایط زندگی خود در این زمینه دخیل اند. زنان عشایر نیز به دلیل مشارکت و جایگاه‌ها در امور مختلف (اقتصادی-اجتماعی) می‌توانند بسیار تأثیرگذار باشند. بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی نقش زنان عشایر در حفاظت و احیاء منابع طبیعی در شهرستان چرام پرداخته شده است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی مبتنی بر پیمایش است. جامعه آماری زنان عشایر شهرستان چرام است و حجم نمونه ۳۳۸ نفر محاسبه گردید. نتایج بیانگر آن است که به لحاظ ویژگی‌های فردی: میزان همبستگی معکوس بین سن و حفظ و احیاء منابع طبیعی برابر ۰/۴۴۵-، همبستگی بین تحصیلات، درآمد و تأهل با حفظ و احیاء منابع طبیعی به ترتیب برابر ۰/۷۶۶ و ۰/۳۱۸ است. همچنین بررسی ابعاد مختلف مشارکت زنان نشان داد که میانگین بعد محیطی ۳/۰۷، اقتصادی ۳/۱۷، اجتماعی ۳/۱ و مدیریتی ۳/۰۸ به دست آمده است. در کل، نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مجموع میزان مشارکت زنان عشایر در فعالیت‌های

\* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، a.norouzi@pnu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، m.jafta69@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

حفظ و احیاء منابع طبیعی، ۳/۱۴ به دست آمد و ملاحظه می‌شود که بالاتر از میانگین مورد نظر (۳) است.

**کلیدواژه‌ها:** زنان عشایر، منابع طبیعی، حفظ و احیاء، شهرستان چرام.

## ۱. مقدمه

انسان همه نیازهای مادی زندگی‌اش را از طریق محیط طبیعی تأمین می‌کند و این مربوط به زمان و مکان خاصی نبوده است؛ اما در دوران نسبتاً کوتاه حیات بشری، همه عوامل دخیل در این کنش تغییر کرده و تغییرات باگذشت زمان سریع و سریع‌تر شده است (نوری و نوروزی، ۱۳۹۶: ۷۳). از نگاهی دیگر اندیشه‌های توسعه پایدار در دهه‌های اخیر به اوج خود رسیده و حفاظت از منابع طبیعی به‌عنوان یک اولویت در این الگو مطرح است؛ تا آنجا که تعریف فائو (FAO) از توسعه پایدار به‌نوعی تعریف از مدیریت پایدار منابع طبیعی است. بر اساس این تعریف توسعه پایدار: مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی و هدایت تغییرات تکنولوژیکی و نهادی در جهت دستیابی و تداوم تأمین نیازهای نسل‌های کنونی و آینده انسان است. چنین توسعه‌ای (در بخش‌های کشاورزی، جنگل و ماهیگیری) زمین، آب، گیاه، حیوان و منابع ژنتیکی را حفظ می‌کند؛ از نظر محیطی غیر مخرب، از نظر تکنولوژیکی مناسب، از نظر اقتصادی کارآمد و از نظر اجتماعی قابل قبول است (FAO, 1995). همچنین مدیریت منابع طبیعی به‌عنوان تلاش برای بهبود فیزیکی منابع طبیعی با تأکید بر حفظ منابع آب و خاک و جنگل تعریف شده است (Dalal- Clyton et al. 2000: 3).

این در حالی است که معیشت عشایر مبتنی بر طبیعت است و حذف طبیعت و منابع طبیعی از زندگی عشایر، در واقع تغییر ماهیت و حذف این جامعه است. اقتصاد عشایر با منابع طبیعی آمیخته و پیدایش، ماهیت و ادامه حیات آنان با منابع طبیعی عجین شده است. بنابراین «بهره‌برداری بهینه از منابع همراه با حفاظت از آنها» می‌تواند بهترین رویکرد در این زمینه باشد. در مباحث پیرامون مدیریت منابع طبیعی و توسعه پایدار، «زنان» از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف مد نظر بوده و توانمندسازی آنان و زمینه‌های جلب مشارکت‌شان به‌عنوان بخشی از نیروهای انسانی «ساکن»، «نیمه ساکن» و «کوچ رو» از رئوس برنامه‌های مورد نظر سازمان‌های توسعه در کشورهای مختلف است (غنیان و زرافشانی، ۱۳۷۵: ۲۷۰).

زنان عشایر به دلیل وظایفی که بر عهده دارند، بیشترین ارتباط را با منابع طبیعی داشته و در همین راستا عموماً تخریب عرصه‌های طبیعی به دلیل ناآگاهی و عدم برخورداری از دانش کافی پیرامون اهمیت و جایگاه این عرصه‌ها در پایداری محیط توسط آنان صورت می‌گیرد (غنیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۰). با این وجود زنان عشایر با داشتن فعالیت‌های متنوع مانند همکاری در چرای دام، جمع‌آوری هیزم و سوخت، تهیه آب و علوفه، امور مربوط به پخت غذا و ... خطر پیش رو و تخریب منابع طبیعی را بیشتر درک می‌کنند و می‌توان آنان را بهتر و ساده‌تر در امر حفاظت و احیاء منابع طبیعی آموزش، راهنمایی و بهکار گرفت. به عبارت دیگر زنان عامل اصلی تغییر فرهنگ مصرف، انتقال دانش، فرهنگ و میراث معنوی زیست‌محیطی به نسل‌های آینده‌اند و می‌توانند جایگاه ویژه‌ای داشته باشند.

بنابراین شناسایی راه‌های جلب مشارکت بهره‌برداران محلی در اجرای طرح حفاظت و احیاء منابع طبیعی، از جمله در نظر گرفتن نقش زنان ضرورتی انکارناپذیر است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

شهرستان چرام در استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد. منابع طبیعی شهرستان به دلیل گونه‌های مختلف، رتبه برتر را در استان به خود اختصاص داده و از طرف دیگر از مناطق حضور کوچ‌نشینان و عشایر کشور است. این در حالی است که روند تخریب منابع طبیعی نه تنها تحت تأثیر برنامه‌های عمرانی، توسعه‌ای و گردشگری، بلکه به دلایل بهره‌برداری ناپایدار از آن‌ها توسط عشایر (دامداری و کشاورزی، سوخت، گیاهان دارویی و خوراکی و ...)، در معرض تخریب شدید قرار دارند. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی نقش زنان عشایر (به عنوان حدود نیمی از جمعیت و با تأثیرگذاری مستقیم در بهره‌برداری منابع طبیعی) در حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی شهرستان چرام پرداخته و به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اساسی خواهد بود: ۱- آیا بین ویژگی‌های فردی زنان عشایری با حفظ و احیاء منابع طبیعی رابطه وجود دارد؟ ۲- میزان مشارکت زنان عشایری شهرستان چرام در فعالیت‌ها و برنامه‌های مرتبط با حفظ و احیاء منابع طبیعی چگونه است؟

## ۲. مبانی نظری پژوهش

بنیان این پژوهش بر چند مفهوم اساسی (عشایر، منابع طبیعی و ...) و نظریه‌های مرتبط استوار است. واژه عشایر، جمع عشیره به معنی قبیله است. «عشایر» به کسانی گفته می‌شود که به جامعه عشایری تعلق دارند. شیوه زیستی جامعه عشایری نیز متفاوت و جدای از

شیوه زیست شهری و روستایی است. آنان جامعه انسانی نسبتاً خوداتکایی اند که ساخت اجتماعی قبیله‌ای دارند و عموماً زندگی خود را از دامداری (بخش‌نامه نصرت، ۱۳۸۷: ۲۰) و در ارتباط مستقیم با منابع طبیعی اداره می‌کنند.

مفهوم کاربردی دیگر در این پژوهش «منابع طبیعی» است. در یک تعریف عام، «منبع» چیزی است که مورد احتیاج موجود زنده، جامعه و یا بوم است. از دیدگاه اقتصادی منبع عبارت است از سرمایه یا نیروی کار و زمین که در فعالیت تولیدی بکار گرفته می‌شود. منابع طبیعی در تعریف «فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی» عبارت است از منابع ثروتی (معادن، خاک حاصلخیز، جنگل، آب، آبزیان، حیات وحش و غیره) که طبیعت برای استفاده انسان‌ها فراهم ساخته است. در دیدگاه‌های جدیدتر بسیاری بر این باورند که برخی از منابع طبیعی ممکن است تنها به طور مستقیم مورد استفاده انسان قرار گیرند و لزوماً در چرخه تولید قرار نگیرند؛ از این رو می‌توان گفت در مورد منابع طبیعی مفهوم متعارف منابع تولید صادق نیست؛ بنابراین منابع طبیعی نه تنها خاک و آب و جنگل و پوشش گیاهی است، بلکه یک چشم‌انداز زیبا، یک پدیده طبیعی دلنواز یا یک آب‌وهوای مصفا نیز می‌تواند به‌عنوان منبع طبیعی محسوب شود (نوری و نوروزی، ۱۳۹۶: ۱۳۶). به لحاظ امکان احیاء و بازتولید، منابع طبیعی به دو گروه تجدیدپذیر و غیرقابل تجدید (تجدیدناپذیر) تقسیم می‌شوند. منابع تجدیدناپذیر منابعی اند که چنان‌گند تشکیل می‌شوند که انسان می‌تواند حدود آن‌ها را تعیین کند. منابع تجدیدپذیر نیز منابع در حال تکرارند که در طول زمان تغییر می‌کنند. منابع تجدیدپذیر خود به دو گروه تقسیم می‌شوند یکی منابعی که تحت تأثیر انسان قرار نمی‌گیرد و دیگری آنکه آشکارا تحت نفوذ و تأثیر آدمی است (هاگت، ۱۳۶: ۱۳۷۳).

عموماً در ارتباط با منابع طبیعی دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. اندیشه بدینانه در مورد توسعه آینده جهان در دهه ۶۰ هم‌زمان با اوج گرفتن نرخ رشد جمعیت، به یک نگرانی جدی جهانی تبدیل شد. حاصل این نگرانی‌ها طرح موضوع محدودیت رشد منابع طبیعی در محافل علمی، سیاسی و اقتصادی جهان گردید. یکی از نتایج توجه جهانی به این اندیشه، انتشار گزارش «جهان در سال ۲۰۰۰» بود که در مورد رشد جمعیت، کمبود منابع طبیعی و افزایش آلودگی‌ها هشدار می‌داد. باین وجود یکی از مؤثرترین دیدگاه‌های خوش‌بینانه در کمیته جهانی «محیط‌زیست و توسعه» مطرح شد؛ این کمیسیون در گزارش «آینده مشترک ما» اگرچه جدی بودن مشکلات زیست‌محیطی جهان را پذیرفت، اما گزارش

محدودیت‌های رشد را رد کرد. بی‌تردید چالش‌ها و تبادل اندیشه‌های ناشی از نگرانی‌ها در مورد منابع طبیعی و محیط‌زیست و آینده بشری تأثیر اساسی برای حفظ محیط‌زیست و مدیریت صحیح‌تر منابع داشته است که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن‌ها را بایست پارادایم توسعه پایدار قلمداد نمود. به هر حال چالش انسان با منابع محیطی پایان‌پذیر نیست (نوری و نوروزی، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۳۵). مالتوس نیز نظریه خود را به صورت مدلی روشن که در آن اندازه و مساحت زمین‌های قابل استفاده محدود و جمعیت بهره‌برداران از این اراضی به سرعت رو به افزایش است، نشان داد.

دیدگاه اکوفمینیسم نیز مفهومی گسترده و دارای بار معنایی وسیع است و طیف متعددی از نظریه‌ها را مطرح می‌کند. تحت سیطره این مفهوم، رویکردهای متعدد فمینیسم به‌عنوان جنبشی زن محور با جنبش‌های اجتماعی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست به هم پیوند می‌خورند؛ در نتیجه اکوفمینیسم ماهیتی عام‌تر به نظریه فمینیستی بخشیده و جنبش زنان برای از بین بردن تبعیض مردسالارانه از محتوای جنسی صرف خارج نموده و به سایر حوزه‌ها به‌ویژه اکولوژی بسط داده و به نوعی تمامی بشریت (چه زن، چه مرد) را تحت یک رویکرد واحد گردآورده است. تحت این دیدگاه مفاهیمی چون ارتباط انسان با زیست‌بوم، نقش زنان در طبیعت، نقش مردان در طبیعت و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل پیوند دیدگاه فمینیستی با مفاهیم اکولوژیک نیز مربوط به رویکرد خاص فمینیست‌ها به طبیعت و تبعات مشکلات زیست محیطی ناشی از بهره‌برداری‌هایی رویه و غیراصولی از طبیعت و منابع آن است (عنایت و فتح زاده، ۱۳۸۸: ۴۷).

از دیدگاه راهبرد زیست محیطی نیز، بشر جزئی از اکوسیستم است و به اکوسیستم باید به صورت یک کل که در آن بین محیط و موجودات زنده پیوند متقابل و مستمر وجود دارد نگریست. ظرفیت پذیرش محیط محدود بوده و با افزایش بیش از حد جمعیت، محیط روبه‌زوال و تخریب می‌گذارد (توکلی، ۱۳۸۴: ۴۶۶). با توجه به ارتباط مستقیم جامعه عشایری با طبیعت، دیدگاه زیست محیطی توجه زیادی به آن دارد. بر اساس این دیدگاه چرای بیش از حد دام‌ها و نابودی جنگل‌ها و مراتع باعث نابودی محیط‌زیست شده و اسکان عشایر ضرورت دارد. در حقیقت این دیدگاه با جامعه‌ی عشایری به صورت محدودکننده رفتار می‌کند و از زمان ملی شدن جنگل‌ها و مراتع تاکنون این دیدگاه زمینه‌ساز بسیاری از کارهای انجام شده در زمینه اسکان عشایر بوده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۹). با این وجود در راهبرد توسعه انسانی که از دهه ۱۹۹۰ مطرح شد، تأکید بر عدالت اجتماعی،

تمرکززدایی و تکیه بر مشارکت و دانش و تجربه مردمی است (نوری و نوروزی، ۱۳۹۶: ۳۵). در واقع حفاظت در عین بهره‌برداری بهینه از منابع با الگو قرار دادن توسعه پایدار و جلب مشارکت مردم و بویژه زنان که نزدیک به نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و در خصوص عشایر نقش ویژه‌ای دارند، امکان‌پذیر خواهد بود. همچنان که بیان گردید در دیدگاه‌های مختلف، به نوعی به حفاظت و احیاء منابع طبیعی اشاره و توجه شده است و این نشان از اهمیت این مبحث در بین گروه‌ها، افراد و متخصصان مختلف است. با این وجود نظریه «توسعه پایدار» با رویکردی جامع‌تر نسبت به «حفاظت از منابع طبیعی» و «بهره‌برداری بهینه» از منابع با «جلب مشارکت» گروه‌های مختلف جامعه به موضوع توجه دارد.

### ۳. پیشینه تحقیق

واکاوی متون و پژوهش‌های مرتبط با موضوع، نشان داد که برخی مطالعات کاربردی به شرح زیر مرتبط با موضوع این پژوهش وجود دارد. باین‌حالت‌کنون هیچ پژوهشی در این زمینه برای منطقه مورد مطالعه مشاهده نگردید.

در بخش پژوهش‌های داخلی، عسگری مقدم (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان نقش زنان در بیابان‌زدایی و توسعه پایدار منابع طبیعی در منطقه نطنز اصفهان، به این نتیجه اشاره دارند که توجه به توانایی‌های بالقوه زنان در خصوص ایفای نقش فرهنگ‌سازی حفاظتی-احیائی در راستای اهداف پایداری منابع طبیعی می‌تواند برای سیاست‌گذاران این بخش بسیار راهگشا باشد. خورشیدی و انصاری (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان شناخت آگاهی عشایر و روستاییان نسبت به تخریب منابع طبیعی و عوامل آن در دهستان بازفت، به این نتیجه اشاره دارند که بهره‌برداران منطقه نسبت به مفهوم تخریب منابع طبیعی کاملاً آگاه‌اند و اکثر آنان تخریب جنگل‌ها و مراتع و همچنین از بین رفتن خاک را به‌عنوان شاخص‌های بارز و مفهوم تخریب منابع طبیعی‌شمرده‌اند. غنیا و همکاران (۱۳۸۷) با بررسی نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های منابع طبیعی بیابانی استان خوزستان، به این نتیجه رسیدند که زنان در تمامی فعالیت‌ها نقش داشته؛ اما رابطه معناداری بین ویژگی‌های شخصی و فعالیت‌های حفاظتی، احیایی وجود ندارد. خسروی پور و فروشانی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی، به این نتیجه اشاره دارند که رهیافت مشارکتی زنان باعث افزایش توان اجتماعات در پاسخگویی به نیازهایشان و

شرکت مردم در جریان توسعه می‌شود. همچنین اکبری (۱۳۹۱) به بررسی نقش زنان در توسعه پایدار محیط‌زیست پرداخته و به این نتیجه اشاره دارد که زنان میانسال در اقدامات عملی و جوانان در اقدامات تشکیلاتی، فعال‌تر بوده‌اند. راستین و همکاران (۱۳۹۳) نیز در تحقیقی با عنوان نقش توانمندسازی زنان در مدیریت پایدار منابع طبیعی (روستای فروان در طرح بین‌المللی مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله رود) به این نتیجه رسیدند که با اجرای این طرح و تشکیل تعاونی‌های زنان، نه تنها ارتقاء اقتصاد خانواده، بلکه به تبع آن کاهش فشار بر منابع طبیعی و بویژه حفاظت آن‌ها را به همراه داشته است. ملکی و علی-پور (۱۳۹۳) عوامل مؤثر بر محیط‌زیست‌گرایی زنان ایرانی را مورد سنجش قرار داده و به این نتیجه اشاره دارند که بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، سن و تحصیلات با محیط‌زیست‌گرایی زنان ارتباط معنادار وجود دارد؛ اما با طبقه اقتصادی رابطه‌ای ندارد. سجاسی و همکاران (۱۳۹۵) نیز به بررسی نقش زنان در حفظ محیط‌زیست روستا (دهستان طرهبه) پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه اشاره دارند که آموزش، مهمترین اقدام در این زمینه است. بعلاوه بین گروه‌های مختلف سنی، جنسی و تحصیلی تفاوتی در خصوص حفاظت از محیط‌زیست وجود نداشته است. همچنین کرمی و بابایی (۱۳۹۶) نیازهای دانشی و اجتماعی زنان روستای قزل تپه علی‌قلی برای مدیریت جامع حوضه آبریز را مورد بررسی قرار داده و اشاره دارند که بهبود نگرش زنان بویژه در زمینه پسماندهای روستایی یک ضرورت است.

در بخش پژوهش‌های خارجی نیز فرینگتون (Fringoton, 2000) در تحقیقی که در منطقه خشک و نیمه‌خشک کنیا انجام گرفت؛ به این نتیجه رسیدند که جنگل‌ها منبع مشترک برای تهیه هیزم، چرای دام، ساخت بنا و بهره‌برداری دارویی اند و افزایش روزافزون جمعیت، چرای بی‌رویه، الگوی استفاده از جنگل، خشکسالی و تقاضای زیاد شهری موجب افزایش تخریب شده است. از این رو کمیته‌های ناظر مردمی برای حفظ منابع و بهبود شرایط تشکیل و زنان که نقش فعالی در تولید و بازاریابی محصولات غیرچوبی داشته‌اند نه تنها در افزایش درآمد و اشتغال خانوار بلکه به نوعی در حفاظت از منابع نیز تأثیر زیادی داشته‌اند. (Kerr, 2002) در تحقیقی که در خصوص آبخیزداری و کاهش فقر در مناطق روستایی انجام گرفت، نشان داد که محدود ساختن دسترسی به زمین‌های عمومی برای جلوگیری از فرسایش و تقویت پوشش گیاهی، موجب کاهش دسترسی زنان به هیزم سوخت، کاهش منابع درآمدی، محدودیت دسترسی به گیاه جهت تولید صنایع دستی و ... و به طور

غیرمستقیم موجب کاهش درآمد زنان شده است. مؤسسه دیس (Danish Institute for International Studies, 2005) در پژوهشی به بررسی قومیت، جنسیت و مدیریت منابع طبیعی پرداخته و به این نتیجه اشاره دارد که با توجه به نقش مهم زنان روستایی در تولید، زنان بیشتر می‌توانند محیط‌زیست را مورد تخریب قرار دهند. در مقابل نیز می‌توانند بازیگران خوبی برای حفاظت از این منابع باشند. همچنین برنامه مشترک سازمان ملل و زیرمجموعه‌های این نهاد بین‌المللی که در سال ۲۰۱۶، با عنوان «زنان، منابع طبیعی و صلح» ارائه شده است، نشان می‌دهد که هرچند نقش زنان در برقراری صلح و کاهش مناقشات رو به افزایش بوده است؛ اما در خصوص منابع طبیعی و محیط‌زیست اقدام شایسته‌ای صورت نپذیرفت. همچنین خانبای و اودجرال (Ykhanbai & Odgerel, 2018) به تجزیه و تحلیل «جنسیت و مدیریت منابع طبیعی» در مغولستان پرداخته و به این نتیجه اشاره دارند که نقش زنان و مشارکت آنان می‌تواند در مدیریت و حفاظت منابع طبیعی بسیار مؤثر باشد؛ با این وجود این نقش در بین زنان عشایر کم‌رنگ است. هارتمن و کلوند (Hartman & Cleveland, 2018) نیز به «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی در بازسازی مراتع و آبخیزها در بولیوی» پرداخته‌اند. آن‌ها انگیزه محلی، اجاره، منازعات و کار غیر زراعی را بررسی و به این نتیجه اشاره دارند که تجدید حیات دوباره و احیاء اراضی و منابع طبیعی در کاهش مهاجرت و فقر روستایی تأثیر داشته است.

#### ۴. روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است. روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پیمایشی و روش گردآوری اطلاعات میدانیو کتابخانه‌ای (اسنادی) است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای شامل فیش‌برداری از کتب، مجلات و منابع الکترونیکی بوده و در شیوه‌میدانی نیز از ابزار مشاهده و پرسشنامه استفاده و سؤالات پرسشنامه نیز از نوع بسته و چندگزینه‌ای انتخاب شده است. جهت امتیازدهی و ارزش‌گذاری کمی سؤالات تخصصی از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. برای سنجش روایی پرسشنامه از نظرات اساتید و کارشناسان مرتبط استفاده و پایایی پرسشنامه نیز با کاربرد روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به دست آمده است. جهت تجزیه و تحلیل نیز از آزمون‌های مختلف همبستگی و



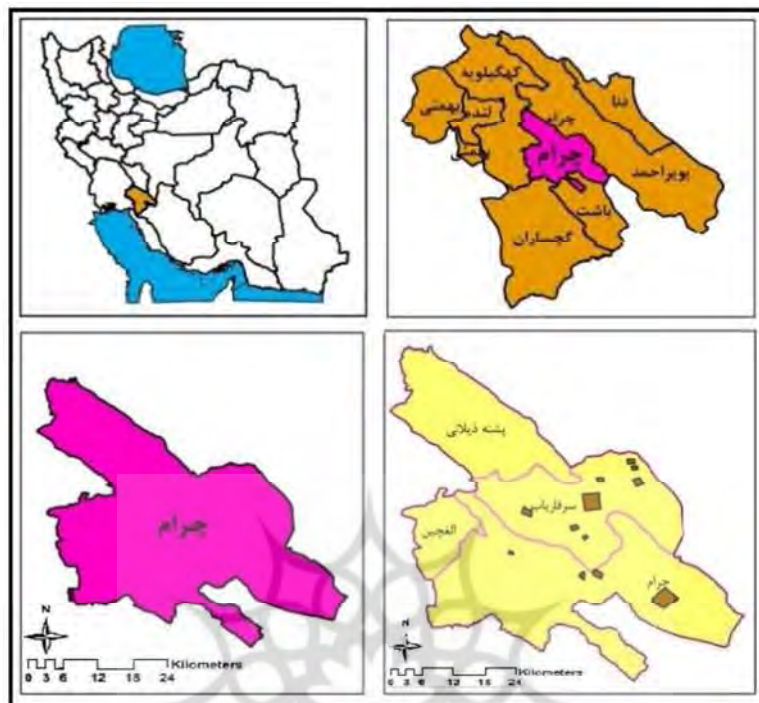
بررسی نقش زنان عشایر در حفظ و احیاء منابع طبیعی ... ۱۶۵

تی. تک نمونه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شامل زنان عشایر در شهرستان چرام بوده و با کاربرد فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۳۸ نفر به دست آمده است. طبق فرمول (d) معادل ۰/۰۵، ضریب اطمینان ۰/۹۵،  $t=1/96$  و مقادیر p و q نیز هر کدام معادل ۰/۵ و حجم جامعه  $n=4562$  در نظر گرفته شد. جهت نمونه‌گیری نیز از روش

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

شهرستان چرام، یکی از شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد است و در ۵۰ درجه و ۴۴ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. شهرستان چرام متشکل از دو بخش «مرکزی» و «سرفاریاب» و دهستان‌های «سرفاریاب»، «الغچین»، «چرام» و «پشته زیلایی» است. از سمت غرب و شمال غربی به شهرستان کهگیلویه، از شمال شرق و شرق به بویراحمد و از جنوب و جنوب شرقی به شهرستان باشت محدود می‌شود (شکل ۱). بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و فاصله آن تا مرکز استان (یاسوج) ۲۵۰ کیلومتر است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت شهرستان ۳۲۱۵۹ نفر که از این تعداد ۱۵۷۲۶ نفر مرد و ۱۶۴۳۳ نفر زن بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). پوشش گیاهی شهرستان چرام دارای ۸۰ درصد درخت بلوط و ۲۰ درصد شامل درختان بنه، کیکم، بادام و زبان گنجشک است. همچنین گیاهانی مانند کنگر، بیلهر، جاشیر، آویشن، پونه و ... در منطقه وجود دارد. مراتع منطقه برای چرای دام در حد مرغوب بوده و بعلاوه دارای گونه‌های فراوان خوراکی و دارویی نیز می‌باشد (استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

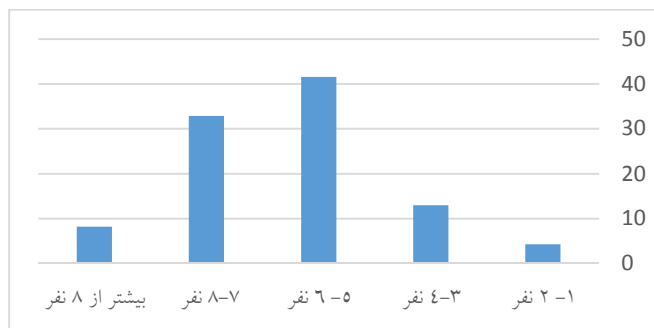


شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۶)

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۱.۵ یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی پژوهش در خصوص ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان داده، ۲۷/۴ درصد افراد نمونه مجرد و ۷۲/۶ درصد، متأهل بوده‌اند. ترکیب سنی پاسخگویان نیز در ۵ گروه سنی طبقه‌بندی شده است. ۸/۴ درصد افراد بین ۱۵-۲۵ سال، ۱۶ درصد بین ۲۶-۳۵ سال، ۲۳/۴ درصد بین ۳۶-۴۵ سال، ۳۰/۲ درصد بین ۴۶-۵۵ سال و ۲۲ درصد در رده سنی بیش از ۵۶ سال قرار دارند. به لحاظ تعداد اعضای خانواده: ۴/۳ درصد ۱-۲ نفر، ۱۳ درصد ۳-۴ نفر، ۴۱/۶ درصد ۵-۶ نفر، ۳۲/۹ درصد ۷-۸ نفر و ۸/۲ درصد بیش از ۸ نفر بوده‌اند. همچنان که مشخص است در بیش از ۸۰٪ خانوارها بُعد خانوار بالاتر از ۵ نفر و نشان از پرجمعیتی خانوارها و نیاز به بهره‌برداری بیشتر از منابع طبیعی است.



شکل ۲: نمودار توزیع تعداد اعضای خانوار پاسخگویان

همچنین پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات در پنج گروه طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان داد بیشترین فراوانی در گروه بی‌سوادان با ۷۲/۸ درصد و کمترین فراوانی در گروه ابتدایی تا دیپلم با ۲۷/۲ درصد است. البته برخی پاسخگویان وجود افراد با تحصیلات دانشگاهی در بین اعضای خانواده را ذکر کرده‌اند که به دلیل فصل تحصیل، در منطقه حضور نداشتند. در این پژوهش افراد به لحاظ فعالیت در ۲ گروه شاغل و غیرشاغل تقسیم‌بندی شده‌اند. از مجموع ۳۶۸ پاسخگو، ۹۷ درصد افراد شاغل (بویژه در بخش‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و ...) و ۳ درصد غیرشاغلبوده‌اند. به لحاظ مهمترین منبع درآمد خانوار: ۵۶٪ گزینه دامداری، ۲۵٪ کشاورزی، ۵/۴٪ کارگری، ۶/۳٪ چوبداری، ۵/۴٪ صنایع دستی و ۱/۹٪ سایر موارد را پاسخ داده‌اند. به لحاظ میزان درآمد ماهانه خانوار، ۶۹٪ افراد اظهار نموده‌اند که درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان دارند. ۲۸٪ درآمد بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون دارند. در بین سطوح بعدی ۱/۹٪ درآمدی بین ۱ تا ۱/۵ میلیون و تنها ۰/۸٪ درآمد بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان را ذکر کرده‌اند. در این پژوهش پاسخ‌گویان بر حسب نوع سوخت مصرفی خانوار به ۴ گروه طبقه‌بندی شده‌اند. ۳۲/۶٪ از سوخت نفت، ۲۳/۹٪ از سوخت گاز و ۴۳/۵٪ از هیزم استفاده می‌کنند؛ کهاین میزان بالای استفاده از هیزم نیز زنگ خطری برای افزایش تخریب منابع طبیعی در منطقه است.

یافته‌های توصیفی شاخص‌های مورد مطالعه در خصوص نقش زنان عشایر در امور حفاظتی و احیاء عرصه‌های طبیعی نیز نشان داد که شاخص‌های «میزان علاقه‌مندی افراد جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی» با میانگین ۳/۷۲ و انحراف معیار ۱/۱۹، «میزان استفاده از منابع و محصولات جنگلی و مرتعی» با میانگین ۳/۶۶ و انحراف معیار ۱/۹۷ و «میزان تأثیر زنان عشایر در حفظ و احیاء منابع طبیعی» با میانگین ۳/۶۴ و انحراف معیار ۱/۲۴ به ترتیب

بیشترین میانگین را داشته‌اند. همچنین شاخص‌های «میزان آشنایی با عواقب ناشی از تخریب منابع طبیعی» با میانگین ۲/۷۹ و انحراف معیار ۱/۳۴، «میزان استفاده از توانمندی‌های زنان عشایر در جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی» با میانگین ۳/۲۸ و انحراف معیار ۱/۲۴ و «میزان تأثیر برنامه‌های دولتی در حفظ و احیاء منابع طبیعی» با میانگین ۳/۳۵ و انحراف معیار ۱/۳۲ کمترین میانگین را از نظر پاسخگویان به دست آورده‌اند. سایر نتایج در جدول ۱ ارائه شده است.

بررسی «عمده‌ترین انگیزه و دلایل استفاده از منابع جنگلی و مرتعی توسط زنان» نشان می‌دهد که محدودیت منابع در دسترس با ۳۱/۶٪، عمده‌ترین انگیزه بوده است. در این بین، گزینه «مشکلات اقتصادی و فقر» و همچنین «رقابت در بهره‌برداری توسط دیگران» به ترتیب با ۲۸/۱ و ۱۸/۴٪ و «نبود قوانین مشخص در خصوص بهره‌برداری‌ها» با ۱۵/۸٪ در مراتب بعدی قرار دارند. سایر دلایل نیز ۶/۱٪ بوده است.

جدول ۱: درصد، میانگین و انحراف از معیار شاخص‌های عمومی تحقیق

ردیف	عنوان شاخص	میانگین	درصد					شاخص / گویه‌ها
			بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
۱	۱/۱۹	۳/۷۲	۳۰/۷	۳۶	۱۴/۹	۱۲/۳	۶/۱	علاقه‌مندی جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی
۲	۱/۲۴	۳/۶۶	۲۸/۵	۳۹	۱۱/۴	۱۲/۷	۸/۳	میزان استفاده از منابع و محصولات جنگلی
۳	۱/۲۴	۳/۶۴	۳۱/۱	۳۱/۱	۱۴	۱۸/۴	۵/۳	تأثیر زنان عشایر در حفظ و احیاء منابع طبیعی
۴	۱/۳۴	۲/۵۷	۱۲/۳	۱۵/۸	۱۴/۵	۳۲	۲۵/۴	تأثیر عوامل فرهنگی و رسوم در حفظ منابع
۵	۱/۲۵	۳/۵۶	۲۵/۴	۳۶/۸	۱۴/۹	۱۴	۸/۸	میزان استفاده از منابع و محصولات مرتعی
۶	۱/۲۶	۳/۵۴	۲۸/۵	۲۸/۹	۱۹/۳	۱۵/۴	۷/۹	استفاده محصول جنگل و مرتعی جهت خودمصرفی
۷	۱/۳۰	۳/۵۳	۲۶/۸	۳۵/۵	۱۱/۸	۱۶/۲	۹/۶	میزان آشنایی با قوانین مربوط به منابع طبیعی
۸	۱/۲۹	۳/۴۴	۲۵/۴	۲۹/۸	۱۸/۴	۱۶/۷	۹/۶	تأثیر مشارکت و مدیریت عشایر در حفظ و احیاء
۹	۱/۳۲	۳/۳۹	۲۵	۲۹/۸	۱۶/۲	۱۸	۱۱	میزان آشنایی به فواید غیرمادی منابع طبیعی
۱۰	۱/۳۲	۳/۳۵	۲۱/۹	۳۳/۳	۱۴/۹	۱۸	۱۱/۸	میزان تأثیر برنامه‌های دولتی در حفظ و احیاء
۱۱	۱/۳۲	۳/۲۸	۲۴/۶	۲۱/۱	۳۳/۲	۲۰/۲	۱۱	میزان استفاده از توانمندی‌های زنان در حفظ و احیاء
۱۲	۱/۳۴	۲/۷۹	۱۴/۵	۱۸/۴	۱۹/۳	۲۷/۶	۲۰/۲	میزان آشنایی با عواقب ناشی از تخریب منابع

## ۲.۵ یافته‌های تحلیلی

- با توجه به داده‌های پرسشنامه‌ای به تعیین رابطه بین «ویژگی‌های فردی زنان عشایر» با متغیر «حفظ و احیاء منابع طبیعی» پرداخته شده است. برای تحقق این امر مواردی چون وضعیت تأهل، سن، میزان تحصیلات پاسخگویان، متوسط درآمد ماهانه و بُعد خانوار به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شده و با استفاده از تحلیل همبستگی فی و اسپیرمن به تعیین رابطه بین متغیرهای مذکور پرداخته شده است (جدول ۲).

جدول ۲: تعیین ارتباط بین متغیرهای وابسته با میزان حفاظت و احیاء منابع طبیعی

متغیر	ابعاد مورد بررسی	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معنی داری
حفاظت و احیاء منابع طبیعی	وضعیت تأهل	۰/۳۱۸	۳۶۸	۰/۰۰۱
	سن	-۰/۴۴۵	۳۶۸	۰/۰۱۱
	میزان تحصیلات	۰/۶۱۵	۳۶۸	۰/۰۰۳
	میزان درآمد	۰/۷۷۶	۳۶۸	۰/۰۰۰
	بعد خانوار	۰/۶۳۲	۳۶۸	۰/۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که بین متغیر «حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)» و ۵ مؤلفه مورد بررسی، رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به تحلیل‌های آماری تحقیق، بین وضعیت تأهل پاسخگویان (مجرد و متأهل) و حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)، رابطه معناداری وجود دارد. میزان همبستگی برابر ۰/۳۱۸ است و می‌توان گفت حفاظت از منابع طبیعی در بین افراد مجرد بیشتر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد، بین وضعیت سنی پاسخگویان و حفظ و احیاء منابع طبیعی، رابطه معناداری وجود دارد. میزان همبستگی معکوس بین سن پاسخگویان و حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع) برابر ۰/۴۴۵- بوده است. می‌توان گفت با افزایش سن، میزان حفاظت از منابع طبیعی کاهش می‌یابد. در واقع جوانان بیشتر از بزرگسالان نسبت به حفاظت از محیط زیست آگاهی داشته و اقدام عملی می‌نمودند. بر اساس نتایج، بین «میزان تحصیلات پاسخگویان» و «حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)»، نیز رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس، میزان همبستگی برابر ۰/۶۱۵ است و با سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت با افزایش سطح تحصیلات میزان حفظ و احیاء منابع طبیعی افزایش می‌یابد. با توجه به تحلیل‌های آماری تحقیق، بین میزان

درآمد پاسخگویان و حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)، نیز رابطه معناداری وجود دارد. میزان همبستگی برابر  $0/766$  است و می‌توان گفت با افزایش درآمد میزان حفاظت و احیاء منابع طبیعی‌افزایش می‌یابد. همچنین نتایج همبستگی معکوس بین بعد خانوار و حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)، نیز معنادار بوده است. به عبارت دیگر با افزایش تعداد اعضای خانواده، میزان حفاظت و احیاء منابع طبیعی کاهش می‌یابد. در واقع نیاز خانوارهای پرجمعیت از مهمترین دلایل بهره‌برداری بیشتر از منابع طبیعی و در مقابل کاهش میزان احیاء اراضی است.

آنچه می‌توان به صورت خلاصه بیان نمود اینکه با افزایش سن، کاهش سطح تحصیلات، فقر و همچنین تأهل افراد و افزایش تعداد اعضای خانواده، حفاظت و احیاء منابع طبیعی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر فقر اقتصادی و آموزشی در این زمینه بسیار مؤثر است.

- به منظور تعیین میزان نقش زنان عشایری شهرستان چرام در فعالیت‌های حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)، با توجه به نرمال بودن داده‌ها، از آزمون T تک نمونه-ای استفاده شده است، بدین ترتیب میانگین عملکرد مشارکت زنان عشایر در فعالیت‌های حفظ و احیاء منابع طبیعی، عدد  $3/14$  به دست آمده است (جدول ۳). از آنجا که پرسشنامه در قالب طیف لیکرت (۵ طیفی) تنظیم گردید، عدد ۳ به‌عنوان میانه نظری مد نظر بوده است. میانگین امتیاز به دست آمده از عملکرد نقش زنان در فعالیت‌های حفظ و احیاء منابع طبیعی بیشتر از میانه نظری است. بنابراین در مجموع شاخص‌ها، می‌توان گفت که میزان مشارکت و نقش زنان عشایر شهرستان چرام «بیشتر از حد متوسط» است.

همچنین بر اساس نتایج جدول ۴، میزان t برابر  $8/897$  است و با اطمینان  $95/0$  و سطح خطای کوچکتر از  $0/05$ ، می‌توان بیان کرد که تفاوت معناداری بین میانگین واقعی و مفروض وجود دارد.

جدول (۳): میانگین عملکرد نقش زنان در حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)

انحراف معیار	میانگین	تعداد	میانگین عملکرد نقش زنان در فعالیت‌های حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)
$0/25$	$3/14$	۳۳۸	

بررسی نقش زنان عشایر در حفظ و احیاء منابع طبیعی ... ۱۷۱

جدول (۴): نتایج آزمون T

فاصله اطمینان تفاوت ۰/۰۹۵		استاندارد آزمون=۳			
پایین	بالا	تفاوت میانگین	معناداری (۲ دامنه)	Df	T
۰/۱۱۵۱	۰/۱۸۰۷	۰/۱۴۷۹	۰/۰۰۰	۲۲۷	۸/۸۹۷

برای بررسی عملکرد و نقش زنان عشایر در فعالیت‌های حفظ و احیاء منابع طبیعی به تفکیک معیارهای مورد نظر، نتایج آزمون T تک نمونه‌ای در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): ارزیابی نقش زنان در فعالیت‌های حفظ و احیاء منابع طبیعی (جنگل و مرتع)

مقدار T			معناداری	T	شاخص‌ها و گویه‌ها
فاصله اطمینان تفاوت ٪۹۵		تفاوت معناداری			
پایین	بالا				
۰/۸۰۲۰	۰/۴۷۸۷	۰/۶۴۰	۰/۰۰۰	۷/۸۰	میزان مشارکت در قرق نمودن مراتع و جنگل‌ها
۰/۸۲۶۶	۰/۴۸۹۲	۰/۶۵۷	۰/۰۰۰	۷/۶۸	میزان مشارکت در مبارزه با آفات و بیماری‌های گیاهی
-۰/۴۲۳۹	-۰/۸۶۹۰	-۰/۵۹۶	۰/۰۰۰	-۶/۸۱	میزان مشارکت در تولید و کاشت نهال‌های جنگلی
-۰/۶۸۲۳	-۱/۰۱۹۵	-۰/۸۵۰	۰/۰۰۰	-۹/۹۴	میزان آمادگی و مشارکت در بذریاشتی گونه‌های گیاهی
-۰/۳۳۹۷	-۰/۶۸۶۶	-۰/۵۱۳	۰/۰۰۰	-۵/۸۳	ارتباط با نهادهای رسمی و غیررسمی و برنامه‌های حفاظتی
۰/۹۸۵۸	۰/۶۵۴۹	۰/۸۲۰	۰/۰۰۰	۹/۷۵	میزان مشارکت در جمع‌آوری مواد آلاینده و مخرب محیط
۰/۵۵۸۲	۰/۲۰۵۰	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰	۴/۲۵	میزان بهره‌برداری بهینه از گیاهان دارویی و عدم تخریب
۰/۸۲۷۷	۰/۳۶۱۰	۰/۵۴۳	۰/۰۰۰	۵/۸۲	میزان مشارکت در طرح‌های جنگل‌کاری و مرتع‌داری
-۰/۳۴۴۵	-۰/۷۰۸۲	-۰/۵۲۶	۰/۰۰۰	-۵/۷۰	جلوگیری از قطع درختان، قاچاق چوب و زغال‌گیری
۰/۶۹۳۹	۰/۳۲۳۶	۰/۵۰۸	۰/۰۰۰	۵/۴۱	برخورد با کسانی که قصد تخریب و تغییر کاربری دارند
۰/۴۴۱۶	۰/۰۴۹۶	۰/۲۴۵	۰/۰۱۴	۲/۴۶	کاهش مصرف سوخت هیزم و استفاده بیشتر از گازو نفت
۰/۲۹۳۷	-۰/۰۱۳۰	۰/۱۴۰	۰/۰۱۳	۱/۸۰	ترویج آداب و سنن بومی بین طایفه در حفظ منابع طبیعی
۰/۴۲۳۱	۰/۰۸۵۷	۰/۲۵۴	۰/۰۰۳	۲/۹۷	رعایت نریختن زباله‌های خانگی در جنگل و مراتع اطراف
۰/۷۴۹۵	۰/۳۸۲۱	۰/۵۶۵	۰/۰۰۰	۶/۰۶	مشارکت در برنامه‌های ترویجی ادارات منابع طبیعی و ..
۰/۳۳۸۴	۰/۰۲۲۶	۰/۱۵۷	۰/۰۰۶	۱/۷۲	مشارکت در جلوگیری از تخریب (روستاییان و گردشگران)
۰/۰۲۴۷	-۰/۳۴۰۵	-۰/۱۵۷	۰/۰۹۰	-۱/۷۰	میزان همکاری و مشارکت در برنامه‌ها و طرح‌های آبخیزداری

-۰/۵۷۹۷	-۰/۹۲۰۳	-۰/۷۵۰	.۰۰۰	-۸/۶۷	مشارکت در فعالیتهای و برنامه‌های حفظ و احیاء محیط‌زیست
-۰/۳۱۱۸	-۰/۶۷۰۶	-۰/۴۹۱	.۰۰۰	-۵/۳۹	همکاری با مأموران منابع طبیعی در زمینه حفاظت از منابع
۱/۲۷۳۷	۱/۰۲۴۵	۱/۱۴۹	.۰۰۰	۱۸/۱۷	علاقه‌مند مطالعه کتب و نشریات زیست‌محیطی
-۱/۰۷۶۵	-۱/۳۷۹۶	-۱/۲۲۸	.۰۰۰	-۱۵/۹۶	میزان همکاری با قرقبان‌های محلی
۰/۵۳۳۸	۰/۱۶۸۰	.۳۵۰	.۰۰۰	۳/۷۸	همکاری در اطلاع‌رسانی به اداره منابع طبیعی در زمینه‌های مختلف تخریب
۱/۱۱۷۰	۰/۸۲۱۶	.۹۶۹	.۰۰۰	۱۲/۹۳	همه‌پنداری با کارشناسان جنگلبانی و منابع طبیعی برای پیشگیری از آتش‌سوزی
۰/۶۱۲۷	۰/۲۸۲۰	.۴۴۷	.۰۰۰	۵/۳۳	همکاری جهت خاموش کردن آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع
۱/۲۷۸۳	۰/۰۲۸۷	۱.۱۵۳	.۰۰۰	۱۸/۲۱	تلاش جهت جلوگیری از تخریب زمین‌های ملی و مراتع
۰/۷۲۴۴	۰/۳۹۸۴	.۵۶۱	.۰۰۰	۶/۷۸	ایجاد تشکل‌های زنان در منطقه با محوریت منابع طبیعی
۰/۷۰۷۹	۰/۴۶۷۶	.۵۸۷	.۰۰۰	۶/۴۳	نسوزاندن باقیمانده گیاهان (کاه و کلش) بعد از برداشت
۰/۲۲۷۰	۰/۱۴۸۰	.۰۳۹	.۶۷۹	۰/۴۱	استفاده از کودهای عالی و سبز بجای کودهای شیمیایی
۱/۱۳۵۱	۰/۸۲۱۰	.۹۷۸	.۰۰۰	۱۲/۲۶	حضور مروجین زن در بخش محیط‌زیست و فعالیت در عرصه منابع طبیعی
-۱/۳۲۴۰	-۱/۵۴۴۵	.۴۳۴	.۰۰۰	-۲۵/۶۳	تشکیل و حضور در جلسات محلی برای حفظ محیط‌زیست
۰/۰۰۲۷	-۰/۳۵۳۶	-۰.۱۷۵	.۰۵۴	-۱/۹۴	میزان کشت و مراقبت از گونه‌های گیاهی در حال انقراض
۰/۸۹۹۰	۰/۵۴۸۴	.۷۲۳	.۰۰۰	۸/۱۳	میزان اهمیت دادن به حفاظت از اکوسیستم گونه‌های گیاهی و جانوری

همچنان که مشخص است سطح معناداری در اکثر گویه‌ها کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین نقش مثبت و عملکرد موفق زنان منطقه در مشارکت جهت حفظ و احیای منابع طبیعی را نشان می‌دهد. با این وجود کرانه‌های بالا و پایین منفی در برخی گویه‌ها از جمله در خصوص «تشکیل و حضور در جلسات» «همکاری با نهادها، مأموران، قرق بان‌ها، برنامه‌های فرامحلی و...» نشان از عدم مشارکت مناسب زنان را دارد. البته مشاهدات میدانی در این زمینه مهمترین دلایل را در وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی برای زنان عشایر، آداب و رسوم، پایین بودن سطح جماعت‌گرایی، مسائل قومی و قبیله‌ای و در مجموع سبک و شیوه زندگی عشایر نشان می‌دهد.



## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی منابع علمی نشان می‌دهد که محیط‌زیست و منابع طبیعی به‌منظور بهره‌برداری بشر، از گذشته مورد توجه بوده و امروزه نیز با تحولاتی که در دهه‌های اخیر در خصوص افزایش تخریب آنها توسط عوامل انسانی (عمرانی و توسعه زیرساخت‌ها، تغییر کاربری اراضی، بهره‌برداری بی‌رویه، افزایش آلاینده‌ها و ...) و طبیعی (خشکسالی، آتش‌سوزی و ...) صورت پذیرفت، اهمیت و حفاظت از آنها را به یک دغدغه تقریباً عمومی تبدیل کرده است. این روند از سوی کشورها را به انجام مطالعات و برنامه‌ریزی‌های محیطی ترغیب کرد و از سوی دیگر جامعه جهانی را در جستجوی راه‌حلی برای حفظ طبیعت در کنار و همراه با توسعه به تکاپو واداشت که بزرگ‌ترین دستاورد آن طرح پارادایم «توسعه پایدار» بود.

در این زمینه نه تنها توجه دولت‌ها، بلکه نقش سازمانها، نهادها و اقشار مختلف جامعه روز به روز افزایش یافته و دائم رویکردها و راهبردهایی در این زمینه ارائه شده است. جامعه عشایری نیز تحت تأثیر وابستگی زندگی به طبیعت، ارتباط نزدیکی با محیط‌زیست و منابع طبیعی دارند و نقش مؤثری در «حفاظت» و احیاء «تخریب» می‌توانند ایفاء نمایند. به عبارت دیگر زندگی عشایر با محیط‌زیست و منابع طبیعی (اعم از منابع آب، خاک، جنگل، مرتع و ...) عجین شده و نقش این قشر از جامعه بسیار مهم خواهد بود. از نگاهی دیگر گستردگی جمعیت عشایر در نزدیک به ۶۰٪ از قلمرو سرزمینی کشور خود گواهی بر ضرورت توجه به این قشر از جامعه بویژه در بحث حفظ و احیاء منابع طبیعی است.

زنان عشایر نیز به دلیل مشارکت و جایگاه آنها در امور مختلف (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) از یک سوی و روند تحول و ترویج رویکردهای توجه به جایگاه زنان (رویکرد جمعیتی، رویکرد مطالباتی زنگرایانه و اکوفمینیستی، توسعه پایدار و ...) از سوی دیگر می‌توانند در این زمینه بسیار تأثیرگذار باشند. بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی نقش زنان عشایر در حفاظت و احیاء منابع طبیعی در شهرستان چرام از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته شده است.

نتایج پژوهش نشان داد که بین «ویژگی‌های فردی» زنان عشایر شهرستان چرام و متغیر «حفظ و احیاء منابع طبیعی» همبستگی وجود دارد. به طوری که با افزایش «سطح تحصیلات و آگاهی، افزایش درآمد، روی آوردن به سوخت‌های غیر فسیلی و کاهش بعد خانوار»، میزان توجه به «حفاظت و احیاء منابع طبیعی» نیز افزایش یافته است. همچنین جوانان و

افراد مجرد بیشتر به این موضوع واقف بوده‌اند. نتایج مشاهدات میدانی نیز مؤید این موارد است و حتی می‌توان تفاوت در سبک زندگی جوانان امروزی و بزرگسالان سنت‌گرا را مشاهده نمود. نکته قابل توجه دیگر در این زمینه محدودیت‌های شرایط زندگی و عدم برخورداری از بسیاری از امکانات و خدماتی است که موجب نتایج متفاوت برای بزرگسالان، متأهلین، افراد عیال‌وار و ... شده است؛ بعلاوه ناملايمات محیط طبیعی (بویژه خشکسالی‌های دهه اخیر) را نیز نمی‌توان در ایجاد نتایج مذکور در این منطقه نادیده گرفت. همچنین نتایج پژوهش مؤید گرایش و توجه روز افزون به مسئله محیط‌زیست در بین جوامع است که می‌تواند نشأت گرفته از تلاش‌های ملی و بین‌المللی در زمینه تحقق اهداف توسعه پایدار و بویژه بُعد زیست‌محیطی آن باشد.

در خصوص میزان مشارکت زنان عشایر منطقه چرام در حفظ و احیاء منابع طبیعی نیز نتایج گویای این است که عملکرد زنان در اکثر معیارها از میانه نظری پژوهش بیشتر بوده است. با توجه به نتایج آزمون T تک نمونه‌ای، پاسخگویان نسبت به عملکرد تمامی شاخص‌های مورد بررسی دیدگاه مثبتی داشته‌اند. در مجموع بررسی ابعاد مختلف مشارکت زنان در حفظ و احیاء منابع طبیعی نیز نشان داد که میانگین بُعد محیطی ۳/۰۷، اقتصادی ۳/۱۷، اجتماعی ۳/۱ و مدیریتی ۳/۰۸ به دست آمده است. در واقع در تمامی ابعاد مورد مطالعه، میانگین بیشتر از ۳ (متوسط ملاک مورد نظر پژوهشگر) بوده و نشان از عملکرد نسبتاً مطلوب زنان عشایر منطقه چرام در حفظ و احیای منابع طبیعی دارد.

مقایسه یافته‌های این مطالعه با سایر پژوهش‌های کاربردی مشابه نشان داد که با نتایج خورشیدی و انصاری (۱۳۸۲)، اکبری (۱۳۹۱)، ملکی و علی‌پور (۱۳۹۳)، کر (۲۰۰۲)، فرینگتون (۲۰۰۰)، مؤسسه دیس (۲۰۰۵)، هارتمن و کلونند (۲۰۱۸) مشابهت در یافته‌ها وجود دارد؛ اما در مقابل با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط غنیا و همکاران (۱۳۸۷) و سجاسی و همکاران (۱۳۹۵) در خصوص «مشارکت» مشابهت و در خصوص ارتباط بین میزان «مشارکت» با «ویژگی‌های فردی» (تأهل، سن، تحصیلات و ...) تفاوت در نتایج وجود دارد. لذا مشارکت زنان جامعه عشایری را نمی‌توان در تحقق توسعه پایدار و بویژه بُعد زیست‌محیطی آن نادیده گرفت. در این راستا برنامه‌ریزی مناسب جهت بهره‌مندی از توانمندی‌های این قشر از جامعه می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد. همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های خانبا و اجرال (۲۰۱۸) که به نقش کمرنگ زنان عشایر مغولستان در حفظ و

احیای منابع طبیعی اشاره دارند، تفاوت و مغایرت وجود داشته است. البته در این زمینه سبک زندگی، تفاوت‌های مکانی و فرهنگی-اجتماعی را می‌توان مؤثر دانست.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای ذیل را می‌توان مطرح کرد:

- تقویت و ارتقای سطح مشارکت زنان عشایر با فرهنگ‌سازی در خصوص اهمیت منابع طبیعی و محیط‌زیست.
- اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی مرتبط (کارگاه‌های آموزشی - کاربردی) و فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل برای زنان و دختران عشایر به منظور ارتقاء سطح دانش و آگاهی در زمینه‌های مختلف و از جمله منابع طبیعی.
- حمایت از تشکل‌های زنان با محوریت منابع طبیعی، همراه با واگذاری زمین‌های طرح مشارکت مردمی نهال‌کاری، قرق، بهره‌برداری و ... با تأکید بر جامعه زنان عشایر.
- استفاده از نیروهای بومی و آشنا به آداب و رسوم و فرهنگ عشایر جهت آموزش زنان عشایر در راستای حذف یا کاهش محدودیت‌های فرهنگی - قومیتی در منطقه.
- ارائه تسهیلات به منظور افزایش مشارکت زنان در طرح‌های حفظ و احیاء منابع.
- تأمین سوخت (گاز، نفت) جهت کاهش استفاده از هیزم و تخریب منابع طبیعی.
- افزایش سطح خدمات رفاهی و اجتماعی در راستای کاهش بهره‌برداری غیراصولی از منابع طبیعی
- حمایت‌های دولتی و ترویج استفاده از انرژی‌های نو (خورشیدی، باد).
- تدوین سیاست‌های تأمین علوفه و خوراک دام یارانه‌ای جهت کاهش فشار بر منابع طبیعی و محیط‌زیست
- در نهایت پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران این موضوع را در مقایسه با تفاوت‌های جنسیتی (زن و مرد) و همچنین در سایر مناطق کشور به منصفه آزمون قرار دهند تا بتوان نتایج دقیق‌تری در زمینه موضوع مورد مطالعه ارائه داد.

## کتاب‌نامه

- استاندارداری کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۰) طرح جامع-تفصیلی شهرستان چرام. یاسوج.  
استاندارداری کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۶) سالنامه آماری شهرستان چرام. یاسوج.

- اکبری، حسین (۱۳۹۱) نقش زنان در توسعه پایدار محیط‌زیست، زن در توسعه و سیاست، ش ۴، صص ۵۶-۳۷.
- بخشنده نصرت، عباس (۱۳۷۸)، مابانی کوچ و کوچناگی در ایران، تهران، دانشگاه تربیت‌معلم.
- توکلی، جعفر (۱۳۸۴)، مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران. تهران.
- خسروی پور، بهمن، فروشانی، ناهید (۱۳۹۰) مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی، مجله کار و جامعه، ش ۱۳۲-۱۳۳. صص ۶۸-۵۶.
- خورشیدی، محمد. انصاری، ناصر (۱۳۸۲) شناخت آگاهی عشایر و روستاییان نسبت به تخریب منابع طبیعی و عوامل آن در دهستان بازفت استان چهارمحال و بختیاری، تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ش ۱، صص ۹۵-۱۰۹.
- راستین، محمد. خاتمی، سید وحید. نوچه، محمدهادی. میرعماد، سید حسن. گلیوری، احمد (۱۳۹۳) نقش توانمندسازی زنان در مدیریت توسعه پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی: روستای فروان، طرح بین‌المللی مدیریت پایدار منابع آب‌و خاک حبله‌رود، سمنان)، اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد. دانشگاه فردوسی.
- سجاسی، حمدالله. روشن زاده، سعیده. محمدیان، فاطمه (۱۳۹۵) بررسی نقش زنان در حفظ محیط‌زیست روستا (مطالعه موردی: روستاهای دهستان طرقله)، همایش ملی جغرافیا، محیط‌زیست، امنیت و گردشگری، قائنات.
- عسکری مقدم، زهرا (۱۳۸۱) نقش زنان در بیابان‌زدایی و توسعه پایدار منابع طبیعی، نشریه هدی، ش ۲۶. صص ۱-۱۲.
- عنایت، حلیمه. فتح زاده، حیدر (۱۳۸۸) رویکردی نظری به مفهوم اکوفمینیسم، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۲، ش ۵، صص ۶۳-۴۵.
- غنیان، منصور. خانی، فضیله. قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۷)، نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیای عرصه‌های طبیعی بیابانی (استان خوزستان)، پژوهش‌نامه زنان، دوره ۶، ش ۱، ۱۱۹-۱۳۵.
- قدیری معصوم، مجتبی. مهدوی، مسعود. برقی، حمید (۱۳۸۴) بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۴، صص ۱۷۲-۱۵۳.
- کرمی، اسماعیل. بابایی، رقیه (۱۳۹۶) نیازهای دانشی و اجتماعی زنان روستای قزل تپه علی‌قلی استان زنجان برای مدیریت جامع حوضه آبخیز، مجله زن در توسعه و سیاست. ش ۲، صص ۲۶۴-۲۴۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، نتایج تفصیلی سرشماری عشایر کشور. تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان چرام، تهران.
- ملکی، امیر. علی‌پور، پروین (۱۳۹۳) سنجش عوامل مؤثر بر محیط‌زیست‌گرایی زنان ایرانی، مجله زن در توسعه و سیاست، ش ۴، صص ۵۹۲-۵۷۷.

بررسی نقش زنان عشایر در حفظ و احیاء منابع طبیعی ... ۱۷۷

مهدوی، مسعود، رضایی، پژمان، قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۶)، روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن، روستا و توسعه، سال ۱۰، ش ۱، صص ۶۱ - ۴۱.  
نوری، سیدهدایت الله، نوروزی، اصغر (۱۳۹۶)، مبانی برنامه‌ریزی محیطی برای توسعه پایدار روستایی، انتشارات دانشگاه اصفهان. اصفهان.  
هاگت، پیتر (۱۳۷۳). *جغرافیا ترکیبی نو: ترجمه شاپور گودرزی نژاد*، جلد اول، تهران، سمت.

Dalal-Clayton, Barry. Dent, David (1993). Surveys, Plans and People, A Review of Land Resource Information and its Use in Developing Countries, *Environmental Planning Issues* No.2. England, UK.

FAO (1995). Planning for Sustainable Use of Land Resources Towards a new Approach, FAO's Interdepartmental Working Group on Land Use Planning, *Land and Water Bulletin* 2, P 4, Rome, Italy.

Farington John. Turton, Cathrin. A.J. James (2000) *Participatory Watershed Development: Challenges for the Twenty-first Century*, Oxford University, New Delhi.

Hartman, B. Cleveland, D A (2018) The socioeconomic factors that facilitate or constrain restoration management: Watershed rehabilitation and wet meadow (*bofedal*) restoration in the Bolivian Andes, *Journal of Environmental Management*, Vo 209, Pages 93-104

Kerr, John (2002) *Watershed Development, Environmental Services, and Poverty Alleviation in India*, World Development.

UN (2016) Women, natural resources and peace. <https://www.unenvironment.org>

Ykhanbai, H. Odgerel, Ts. (2018) *Gender Analysis in Natural Resource Management*, <https://landportal.org>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی